



دانش افزایی

زنان روستایی و امکان دست‌رسی آن‌ها به اعتبارات مالی

دکتر رستم صابری‌فر، عضو هیئت علمی دانشگاه پیام نور

پژوهشگاه مطالعات اجتماعی
رئیس هیئت مدیره و مدیر عامل

چکیده

تحقق عدالت اجتماعی، بدون دسترسی تمامی اقشار جامعه به فرصت‌های برابر، امکان‌پذیر نیست. جامعه‌ی روستایی ایران در طول تاریخ با تنگناهای متعددی روبه‌رو بوده است. به همین دلیل، هیچ‌گاه فرصت لازم را به‌دست نیاورده است که با ساکنین مراکز جمعیتی بزرگ (شهرها)، رقابتی سالم و هم‌سنگ داشته باشد. در این بین، زنان روستایی تنگناهای بیشتری را تجربه کرده‌اند. این در حالی است که با تحولات ایجاد شده در جامعه‌ی روستایی، نقش زنان در اقتصاد روستایی از نقش حاشیه‌ای و فرعی، به عاملی غیرقابل انکار و اصلی تبدیل شده است. به همین دلیل، نیاز به تغییر نگاه به این قشر ذی‌نفسود، توانمند و مؤثر، ضرورت پیدا کرده است. می‌باید امکاناتی در خور مسئولیت آن‌ها، در اختیارشان قرار گیرد.

یکی از شیوه‌های مؤثری که می‌تواند این توانمندی بالقوه را به فعل درآورد، اعطای اعتبارات مورد نیاز از طریق مؤسساتی است که هدف‌های غیر انتفاعی را دنبال می‌کنند. برخی از صندوق‌های قرض‌الحسنه‌ی کنونی، اگرچه تا حد زیادی این مسئولیت را بر عهده دارند، لیکن چون پرداخت وام را منوط به سپرده‌ی اولیه کرده‌اند، در این راستا فعالیت گسترده‌ای نداشته و ندارند. اما با راه‌اندازی صندوق قرض‌الحسنه‌ی مهر امام رضا(ع)، این نقش بسیار پررنگ‌تر شده است. امید می‌رود که با اصلاح ساختارهای موجود، این پیشرفت روزبه‌روز بیشتر و بیشتر شود. مقاله‌ی حاضر در نظر دارد، این نقش را در روستاهای استان خراسان رضوی مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار دهد.

کلید واژه‌ها: زنان روستایی، صنایع کوچک، بازار محلی، صندوق قرض‌الحسنه‌ی مهر امام رضا(ع)، اعتبارات کشاورزی، مرد محوری

مقدمه

تحولات حادث شده در جامعه‌ی روستایی نشان می‌دهد، «مرد محوری» سابق در جامعه‌ی روستایی، جای خود را به غلبه‌ی زنان داده است. بنابراین اگر قرار باشد، ضعف‌ها و کمبودهای جامعه روستایی مرتفع شود و زمینه‌های تحقق عدالت اجتماعی در جامعه فراهم آید، باید به این گروه توجهی دو چندان شود. بررسی شرایط کنونی جامعه‌ی روستایی نشان می‌دهد که نقش‌های سنتی زنان روستایی تغییر قابل ملاحظه‌ای پیدا کرده است. به عبارت دیگر، آن‌ها صرفاً وظایف خانگی و تربیت بچه‌ها، تهیه غذا و... را انجام نمی‌دهند. در حال حاضر در اکثر نواحی، زنان امر مدیریت خانواده و مزرعه را بر عهده دارند. زنان گاهی نیروی کارشان را به دیگر مزارع می‌فروشند و در مواردی، به کشتزارهای مهم و بزرگ کوچ می‌کنند. هم‌چنین، در صنایع کوچک و بخش‌های غیررسمی فعالیت دارند و کالاها و خدماتی برای فروش در بازار محلی، منطقه‌ای و یا حتی ملی

تولید می‌کنند. در عین حال در بعضی موارد، دامنه‌ی حقیقی مداخله‌ی زنان در فعالیت‌های مربوط به کشاورزی، کمتر از اندازه‌ی واقعی تخمین زده می‌شود. نامرئی بودن اشتغال زنان، به تهیه‌ی برنامه‌ها و سیاست‌هایی منجر شده است که زنان را نادیده می‌انگارد و گاه اثر معکوسی روی آن‌ها دارد. مداخله‌ی زنان در تولید و در مزارع ممکن است فصلی باشد، با وجود این، به ویژه در آسیا، زنان نقش غیرقابل انکاری بر عهده دارند. چرا که در اکثر کشورها، زنان مسئولیت‌های عمده‌ای برای برداشت محصول مزارع می‌پذیرند. هم‌چنین، به عنوان نیروی کار فردی در مزارع دیگران نیز ایفای نقش می‌کنند. طبق گزارش نهادهای بین‌المللی در چهار دهه‌ی اخیر، زنان به طور بی‌سابقه‌ای وارد بازار نیروی کار جهانی شده‌اند. به طوری که در سال ۱۹۵۰، حدود ۳۳۴ میلیون نفر زن در زمینه‌ی اقتصادی فعال بوده‌اند، اما این تعداد در سال ۱۹۷۵ به رقم ۵۷۶ میلیون نفر افزایش یافت و در دهه‌ی ۱۹۹۰ از مرز ۸۲۸ میلیون نفر فراتر رفت [ریکا، ۱۳۸۲: ۱۱]. با وجود این، نقش زنان بر اساس ناحیه و اندازه‌ی مزرعه متفاوت است.

باید پذیریم که اگر زنان در کشاورزی دارای اهمیت هستند، دیدگاه‌های آن‌ها باید هنگام طراحی فناوری‌های جدید، مدنظر قرار گیرد. اثر این فناوری‌ها روی ارتباط بین زنان و مردان، باید مورد رسیدگی قرار گیرد. زنان نیز باید آموزش و راهنمایی را از خدمات ترویجی دریافت کنند. چنانچه زنان در مزارع تصمیم می‌گیرند، باید اجازه‌ی بهره‌برداری از اعتبارات و نهاده‌ها را داشته باشند [صابری فر، ۱۳۸۲]. با این همه و به دلایلی مختلف، زنان غالباً دسترسی کافی به اعتبارات نداشته و ندارند. چرا که اولاً در بسیاری از جوامع زنان فاقد موقعیت قانونی لازم برای داخل شدن در عقود، پیمان‌ها و قراردادهای هستند. ثانیاً، به‌ندرت زنان حق مالکیت زمین را در اختیار دارند و اغلب آن‌ها به‌عنوان یک عنصر جنسی مورد استفاده قرار می‌گیرند. ثالثاً، به‌نظر می‌رسد تعصب و مخالفت با زنان در اداره‌ی طرح‌های اعتباری، کماکان وجود دارد (برای اطلاع نگاه کنید به: ریکا و دیگران، ۱۳۸۲: ۳۳-۲۴).

به هر حال، نداشتن دسترسی به اعتبارات و خرید نهاده‌ها در اکثر کشورها، فناوری‌های جدید را جنس‌گرا ساخته است. بنابراین، اغلب زنان به پرورش محصولات غذایی می‌پردازند که سهم جزئی در ارزش تولید دارند. اما این محصولات در تأمین غذای خانوادگی در مزارع کوچک اهمیت دارند. تحقیقات کشاورزی غالباً این محصولات را مورد غفلت قرار داده‌اند که ممکن است آثار زیان‌آوری بر تغذیه بر جای بگذارد. از آنجا که خدمات ترویجی هنوز هم در اکثر کشورها مرد گراست و ارتباط با مزرعه‌داران زن ممنوع شده است، اهمیت نسبی جنس به‌عنوان عامل مؤثر بر توسعه‌ی کشاورزی باید مورد توجه و امان نظر قرار گیرد. چرا که اثر اعتبارات، فناوری و دیگر سیاست‌های کشاورزی روی زنان، با اجرای اصلاحات ارضی مرتبط با رفع تبعیض و سیاست‌های تثبیت، تشدید شده

بررسی شرایط کنونی جامعه‌ی روستایی نشان می‌دهد که نقش‌های سنتی زنان روستایی تغییر قابل ملاحظه‌ای پیدا کرده است





است [Norton & Dwainr, 1993].

این در حالی است که دست‌رسی زنان به زمین با مشکلات مربوط به دست‌رسی این گروه به اعتبارات تشدید شده است. با توجه به نقش اساسی زنان در کشورهای در حال توسعه و از جمله ایران و به خصوص در منطقه‌ی مورد مطالعه، نادیده انگاشتن یا تبعیض قائل شدن برای نقش زنان، تأثیر آن‌ها را دچار دگرگونی کرده است و شانس موفقیت آنان را هر روز کمتر می‌کند. مطالعات انجام شده در سایر کشورها نشان می‌دهد که چنانچه تنگناها و مشکلات فعالیت زنان به‌خوبی مورد بررسی قرار گیرد و راه‌حل‌های مناسب در این زمینه به‌مورد اجرا گذاشته شوند، این گروه به‌عنوان نیمی از جمعیت فعال در مناطق روستایی، نقش غیرقابل انکاری در افزایش درآمد و بهبود استانداردهای زندگی خواهند داشت [Moseley, 2003: 58]. این تحقیق عوامل مؤثر بر توانایی زنان را در زمینه‌ی دریافت اعتبار، مورد تجزیه و تحلیل قرار داده است. به این منظور فرض اساسی آن بوده است که: «دریافت اعتبار از مؤسسات اعتباری به‌طور کل و صندوق قرض‌الحسنه‌ی مهر امام رضا(ع)، بیشتر برای زنانی امکان‌پذیر است که از پشتوانه‌های اجتماعی، فرهنگی، مالی، فنی و... بالاتری برخوردارند.»

روش تحقیق

در این پژوهش، با توجه به هدف و فرضیه‌های تحقیق، عمدتاً از روش‌های «علی - مقایسه‌ای» استفاده شد. (برای اطلاع بیشتر نگاه کنید به: نادری و نراقی، ۱۳۶۴). زیرا قصد اصلی آن بررسی روابط و پدیده‌هایی بود که در اخذ وام از مؤسسه‌ی قرض‌الحسنه‌ی مهر مؤثر بوده‌اند. به‌طوری که از این طریق، امکان وجود روابط و زمینه‌های قبلی را کشف و در مراحل بعدی از آن استفاده کنیم. برای تحلیل اطلاعات، از نرم‌افزار «SPSS» و روش‌های متداول آماری (دلاور، ۱۳۶۸) استفاده شد.

جامعه‌ی آماری

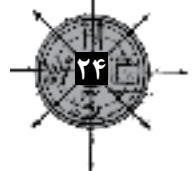
جامعه‌ی آماری در این پژوهش، زنان روستایی استان خراسان رضوی بودند که به نوعی از این صندوق تقاضای وام کرده بودند (به هر منظوری و به‌صورت مستقیم و یا غیرمستقیم). هدف اصلی آن‌ها از گرفتن این وام، بهره‌گیری از آن در امور کشاورزی بود. به همین منظور، ۱۵۰ نفر از آن‌ها انتخاب و مورد بررسی

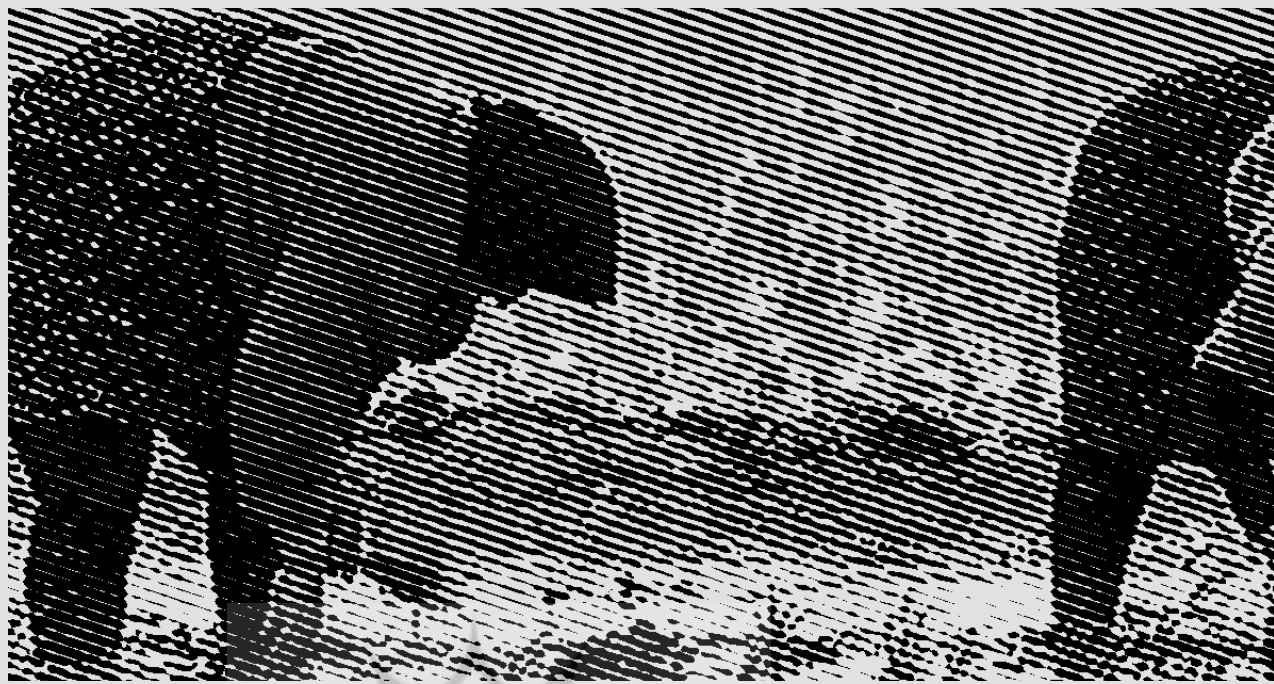
قرار گرفتند. روش نمونه‌گیری در این تحقیق خوشه‌ای چند مرحله‌ای بود. به این ترتیب که ابتدا از کل شهرستان‌ها، ده‌شهرستان (خواف، تایباد، رشتخوار، بردسکن، خلیل‌آباد، فیض‌آباد، فریمان، گناباد، کاشمر و تربت‌حیدریه) انتخاب شدند و در هر یک از آن‌ها به‌صورت تصادفی نمونه‌ای به حجم ۱۵ نفر، گزینش شدند. لازم به یادآوری است، برخی از نمونه‌های مورد بررسی، وام‌ها را با توجیحات خاصی از صندوق دریافت و چون در نهایت آن را برای امور کشاورزی و صنایع دستی به کار برده‌اند، در نمونه‌ی مورد بررسی گنجانده شده‌اند. حتی در مواردی، دریافت‌کننده‌ی وام، زن شاغل در روستا نبوده، ولی چون در نهایت وام دریافتی به وی تسلیم شده و او، وام را در امور کشاورزی و صنایع دستی به‌کار برده، نمونه‌ی مورد بررسی به‌حساب آمده است.

ضرورت انجام تحقیق

اعتبارات خرد که جزئی از چرخه‌ی تأمین مالی توسعه‌ی روستایی هستند، تا حدودی با اعتبارات روستایی و اعتبارات کشاورزی اشتراک دارند و از طریق نهادهای مالی و اعتباری از قبیل بانک‌ها، اتحادیه‌های اعتباری محلی، تعاونی‌ها و... تأمین می‌شوند [Douglas, 2003]. در مباحث توسعه‌ی روستایی و کشاورزی، یکی از راه‌حل‌های رفع مشکل مالی روستاییان، اعطای اعتبارات کوچک مقیاس است که نقش مهمی در تمرکز و جهت‌دهی به سرمایه‌های اندک روستاییان و ایجاد روحیه‌ی مشارکت و کار گروهی دارند [Escap, 1994:12]. استفاده از اعتبارات خرد، به عنوان یک روش مداخله‌ی غیرمستقیم در توسعه، مورد توجه اغلب نظریه‌پردازان توسعه قرار گرفته است. این شیوه با گسترش بازارهای جدید

**فقدان دست‌رسی به اعتبارات و خرید نهاده‌ها
کشورها، فناوری‌های جدید را برای زنان
غیر قابل دست‌رس ساخته است**





و ارتقای فرهنگ مدیریتی، زمینه‌ی مناسبی برای حکم‌رانی کارآمد دولت در توسعه‌ی کشاورزی فراهم می‌سازد [Roht, 1997:28].

اصولاً جامعه‌ی روستایی ما همواره با مشکلات و تنگناهای مالی متعددی روبه‌رو بوده است. در این میان، جامعه‌ی روستایی که هم‌اکنون ارتباط گسترده‌ای با جامعه‌ی شهری پیدا کرده نیازهای جدیدی را مطرح کرده است که نمی‌توان با درآمدهای اندک قدیم به آن پاسخ‌گو بود. در واقع در این جامعه، توقعات مربوط به سطح زندگی افزایش پیدا کرده است، ولی درآمد و زمینه‌های کاری، به همان سرعت توسعه نیافته است. به همین دلیل، تحولات متعددی را در زمینه‌ی شیوه‌های تولید، نوع محصولات مورد کشت، و روش‌های جدید تولید درآمد غیر از کشاورزی، شاهد بوده‌ایم. کشاورزی در مناطق مورد بررسی، با قطعه‌قطعه شدن اراضی و کاهش سهم کشاورزان از نهادهای طبیعی، تحولات بیشتری را شاهد بوده است. به طوری که در حال حاضر، بسیاری از مردان این حرفه قدیمی و سنتی را رها ساخته و به حرفه‌ها و مشاغل غیر از کشاورزی در داخل منطقه و یا خارج از آن روی آورده‌اند.

بر اساس وضعیت فوق، کشاورزی معیشتی دیگر نمی‌تواند هزینه‌های زندگی روستاییان را تأمین کند. از طرف دیگر، با توجه به کاهش سهم هر کشاورز، حضور مردان در این سیستم مقرون به صرفه نیست و یا لاقط بی‌کاری فصلی آشکار و پنهان گسترده‌ای را باعث می‌شود. به همین دلیل، بخش قابل ملاحظه‌ای از افراد به کارهای واسطه‌ای در داخل منطقه و یا کارگری در مناطق گوناگون کشور و مرکز استان روی آورده‌اند. بنابراین، کشاورزی حرفه‌ای زنانه شده و زنان نقش اصلی را در این زمینه ایفا می‌کنند.

بر این اساس، مشخص می‌شود که عملاً تمامی کشاورزانی که در بخش سنتی فعالیت دارند، درجه‌ی بالایی از فقر را تجربه کرده‌اند. در نتیجه، حتی زنان شاغل در این بخش نیز نمی‌توانند صرفاً به کشاورزی اتکا داشته باشند و در کنار امر کشاورزی، به صنایع دستی و دامداری که در سال‌های اخیر از رواج قابل ملاحظه‌ای برخوردار شده است، روی آورده‌اند. اما زنان برای ایفای این نقش با مشکلات متعددی روبه‌رو هستند که یکی از مهم‌ترین آن‌ها، دسترسی به اعتبارات کافی و به موقع است. این در حالی است که «بدون سرمایه‌ی کافی برای کار، این کارآفرینان نمی‌توانند مواد خام مورد نیازشان را ذخیره کنند. یا زمانی که قیمت‌ها مطلوب است، این مواد را خریداری کنند. یا از منافع تخفیف بر حسب مواد خام بهره‌مند شوند» [ریکا و دیگران، ۱۳۸۲: ۱۶].

زنان و دسترسی به اعتبارات

«برنامه‌ی توسعه‌ی سازمان ملل»، هدف از اعطای اعتبارات خرد را ایجاد فرصت‌های درآمدزا برای زنان، سرمایه‌گذاری در ترویج فعالیت‌های کشاورزی و کمک به بازپرداخت تعهدات کشاورزی می‌داند [UNDP, 1998]. علاوه بر آن، زنان به عنوان نیمی از افراد جامعه، نه تنها موضوع و هدف هر توسعه‌ای هستند، بلکه اهرم مؤثری در پیشبرد اهداف توسعه‌ی اقتصادی - اجتماعی به شمار می‌روند [از کیا، ۱۳۷۰].

طبق آمارهای رسمی، نرخ فعالیت اقتصادی زنان نسبت به مردان در سال ۱۳۷۶، تنها ۱۴/۳ درصد بوده است. بررسی این موضوع که نرخ اشتغال زنان بین سال‌های ۱۳۵۵ تا ۱۳۷۵ افزایش نشان نمی‌دهد، اما جمعیت زنان در سن فعالیت در همین دوره افزایش قابل ملاحظه‌ای یافته است، حکایت از فقدان مشارکت زنان در اقتصاد کشور طی دو دهه‌ی اخیر دارد. با این همه، بر خلاف کل کشور، زنان در مناطق روستایی خراسان رضوی، نقش اساسی در کارهای تولیدی دارند و بخش قابل ملاحظه‌ای از درآمد صنایع دستی، دامداری و کشاورزی را تولید می‌کنند.

با وجود این، به دلیل رواج رویه‌ی کلی بی‌مهری نسبت به زنان و نقش اساسی آن‌ها در اقتصاد کشور، این امر چندان مورد توجه مؤسسات اعتباری و بانک‌ها نبوده است و از پرداخت وام به آن‌ها خودداری می‌شود. این وضعیت به خصوص به دلیل نقش حیاتی و غیرقابل انکار زنان در منطقه‌ی مورد مطالعه، نگران‌کننده‌تر است. در واقع، قوانین، مقررات و شیوه‌های عمل نه تنها در جهت

هدف اصلی این پژوهش مشخص کردن عوامل و پارامترهایی بود که در اخذ وام از صندوق قرض الحسنه‌ی امام رضا(ع) مؤثر بوده‌اند

حمایت از زنان قرار ندارند، بلکه در مواردی کاملاً در تضاد با نقش زنان روستایی عمل می‌کنند. به همین دلیل، زنان روستایی و نقش آن‌ها در اقتصاد این مناطق با چالش‌های عیدهای روبه‌رو هستند.

عدم دسترسی زنان به اعتبارات و نهادهای لازم

چنانچه زنان در مزارع تصمیم می‌گیرند، باید اجازه‌ی بهره‌برداری از اعتبارات و نهادهای را نیز داشته باشند. با وجود این، بنا به دلایل گوناگون، زنان غالباً دسترسی کافی به اعتبارات نداشته‌اند. یکی از مهم‌ترین دلایل این موضوع آن است که در بسیاری از جوامع، زنان، فاقد موقعیت قانونی لازم برای داخل شدن در عقود، پیمان‌ها و قراردادهای هستند. حتی اگر شرایط اجتماعی و عرفی این امکان را برای آن‌ها فراهم سازد، مشکلات قانونی، سدی عظیم در برابر آن‌ها قرار می‌دهند. از طرف دیگر، به‌ندرت زنان حق مالکیت زمین را در اختیار دارند و غالباً به‌عنوان یک عنصر جنسی مورد استفاده قرار می‌گیرند [مطهری، ۱۳۵۷].

بررسی‌های میدانی نشان می‌دهند که مقدار اراضی و املاکی که به‌طور رسمی در اختیار زنان منطقه است، به‌کمتر از شش درصد کل اراضی می‌رسد و بخش عمده‌ای از آن‌ها نیز در مناطق شهری قرار دارند. علاوه بر آن، به‌نظر می‌رسد تعصب و مخالفت با زنان در ادارات طرح‌های اعتباری کماکان وجود دارد [صابری‌فر و کلماتی، ۱۳۸۶]. در یک دسته‌بندی کلی، می‌توان عوامل عدم دستیابی زنان به اعتبارات لازم در امر تولید را در دو گروه کلی عرضه و تقاضا، طبقه کرد. عوامل مربوط به بخش عرضه، شامل هزینه‌های معین وام‌دهی، نرخ‌های بازپرداخت و سیاست‌های تنظیم‌کننده است که به میزان اعتبار اندک مورد تقاضای زنان مربوط می‌شود. عوامل مربوط به بخش عرضه نیز شامل هزینه‌های معاملات، نیاز به وثیقه، روند پرزحمت تکمیل تقاضانامه و محدودیت‌های فرهنگی است (برای اطلاع بیشتر نگاه کنید به: ریکا، ۱۳۸۲: ۲۴ و ۲۷).

همان‌طور که اعلام شد، فقدان دسترسی به اعتبارات و خرید نهادهای در اکثر کشورهای فناوری‌های جدید را برای زنان غیر قابل دسترس ساخته است. بنابراین، این گروه نمی‌توانند هم‌پای سایر رقبای، به فعالیت‌های تولید خود سروسامان دهند و درآمدی در خور توجه به‌دست آورند. این در حالی است که علاوه بر اعتبارات، سایر خدمات از جمله آموزش‌های ترویجی و بازاریابی نیز، در اختیار این گروه قرار نمی‌گیرد و یا بسیار ناچیز و ناکافی است [صابری‌فر، ۱۳۸۳]. اما آنچه در این بین بیشترین اهمیت را دارد، عدم دسترسی به اعتبارات است. این در حالی است که پژوهش‌های انجام شده نشان می‌دهند که سطح موجود فقر و فقر مطلق میلیون‌ها فقیر، ممکن است به معنای دسترسی نابرابر آنان به منابع مالی و بنابراین ناتوانی‌شان در یافتن راه‌حلی برای موقعیت باشد [ریکا، ۱۳۸۲: ۱].

برای مشخص‌تر شدن وضعیت منطقه‌ی مورد مطالعه در این زمینه، نتایج حاصل از یک تحقیق میدانی در ارتباط با بهره‌مندی زنان از اعتبارات، در ارتباط با صنایع دستی، ارائه می‌شود [صابری‌فر، ۱۳۸۱]. در یک نمونه‌ی ۲۷۰ نفری از زنان

روستایی و ساکنین شهر «باخرز»، مشخص شد که تنها ۲۴ درصد آن‌ها به طریقی از صنایع دستی یا محلی بهره‌برداری می‌کنند. به عبارت دیگر، حدود ۷۶ درصد زنان به دلایل گوناگون و از آن جمله، فراهم نبودن سرمایه‌ی لازم، از اشتغال در بخش صنایع دستی محروم هستند. البته با توجه به این که صنایع دستی و خانگی در این منطقه از سابقه‌ی بسیار طولانی برخوردار است، بسیاری از این خانواده‌ها حداقل یک‌بار اشتغال در صنایع دستی را تجربه کرده‌اند. به‌طوری که از ۲۰۵ خانواری که در حال حاضر فاقد کارگاه خانگی هستند، بیش از ۶۰ درصد آن‌ها در گذشته‌ای نه چندان دور به این حرفه اشتغال داشته‌اند. به‌جز عده‌ی خیلی‌ای از این افراد (حدود ۱۳ درصد، یا ۱۶ خانوار ۱۲۴ خانوار) که به دلیل افزایش درآمد در بخش‌های دیگر، دست از فعالیت کشیده‌اند، بقیه به دلیل فقر مالی و ناتوانی در فروش محصول و مشکلات مربوط به بهره‌گیری از اعتبارات بانکی، از این فعالیت کناره‌گیری کرده‌اند.

تحقیق کنونی به منظور بررسی دقیق‌تر وضعیت دسترسی به اعتبارات و زمینه‌های مؤثر در این امر به انجام رسیده است. با توجه به این که درج تمامی یافته‌ها و نتایج تحقیق در این مختصر نمی‌گنجد، به ناچار صرفاً به بررسی و تحلیل سؤالات و فرضیات اصلی تحقیق اکتفا می‌شود.

یافته‌ها و نتایج

هدف اصلی این پژوهش مشخص کردن عوامل و پارامترهایی بود که در اخذ وام از صندوق قرض‌الحسنه‌ی امام رضاع مؤثر بوده‌اند. بنابراین، مشکلات و تنگناهایی که در راه دستیابی به این گونه وام‌ها وجود دارد، هدف اصلی پژوهش تعیین شد. در کنار آن، این سؤال مطرح شد که: آیا این صندوق موفقیت لازم را در این امر به‌دست آورده است؟ اگر نه، دلایل اصلی کدام‌اند؟

برای دستیابی به هدف فوق‌الذکر، سؤالات متعددی پرسیده شدند که در ادامه براساس نتایج به‌دست آمده از نمونه‌ی مورد مطالعه، به تجزیه و تحلیل آن اقدام می‌شود:

سابقه‌ی اخذ وام از بانک‌ها و سایر مؤسسات مالی

در این مرحله قصد آن بود که مشخص شود، توانایی افراد و موفقیت آن‌ها در دریافت وام از صندوق مورد بررسی، با سابقه‌ی آن‌ها برای دریافت وام از سایر مؤسسات اعتباری و بانک‌ها، ارتباط معنی‌داری داشته است یا خیر. وضعیت این گروه از افراد در دو جدول (۲ و ۱) نشان داده شده است. یادآوری می‌شود که صرفاً برای همین سؤال جدول مربوطه ارائه شده‌اند و برای سایر سؤالات تنها به ارائه‌ی نتیجه‌ی اصلی اکتفا خواهد شد.

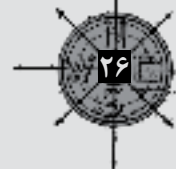
ضرایب به‌دست آمده برای t به ترتیب ۵/۸۷۶- و ۶/۵۴۸- است که با توجه به درجه‌ی آزادی ۱۳۲ و ۴۴ محاسبه شده و در سطح معنی‌داری ۰/۰۰۰ برای دو گروه قابل قبول است. بنابراین می‌توان عنوان داشت، بین کسانی که سابقه‌ی اخذ وام از مؤسسات متفاوت داشته‌اند و آنانی که چنین تجربه‌ی نداشته‌اند، تفاوت معناداری برای دریافت وام از این مؤسسه وجود داشته است.

جدول ۱. آماره‌های اصلی برای گروه‌های مورد بررسی

سابقه	تعداد	میانگین	انحراف معیار	انحراف از میانگین
دارد	۲۶	۷۳/۴۰	۱۰/۵	۲/۱
ندارد	۱۰۸	۸۸/۶۸	۱۲/۶	۱/۲

جدول ۲. بررسی محاسبه‌ی ضرایب t ، انحراف معیار و سطح معنی‌داری

تفاوت برای ۹۵٪	یک دامنه	دو دامنه	تفاوت	میانگین	انحراف معیار	ضرایب t	سطح معنی‌داری	سطح معنی‌داری	سطح معنی‌داری
-۱۰/۳۷۰	-۲۰/۹۱۴۴	۲/۶۶۳۰	-۱۵/۶۴۶۷	۰/۰۰۰	۱۳۲	-۵/۸۷۶	۳۷۳	۰/۸۷۸	فرض برابری واریانس‌ها
۱۰/۸۳۰۹	-۲۰/۴۶۲۵	۲/۳۸۹۴	-۱۵/۶۴۶۷	۰/۰۰۰	۴۳/۸۹۱	-۶/۵۴۸			فرض عدم برابری واریانس‌ها





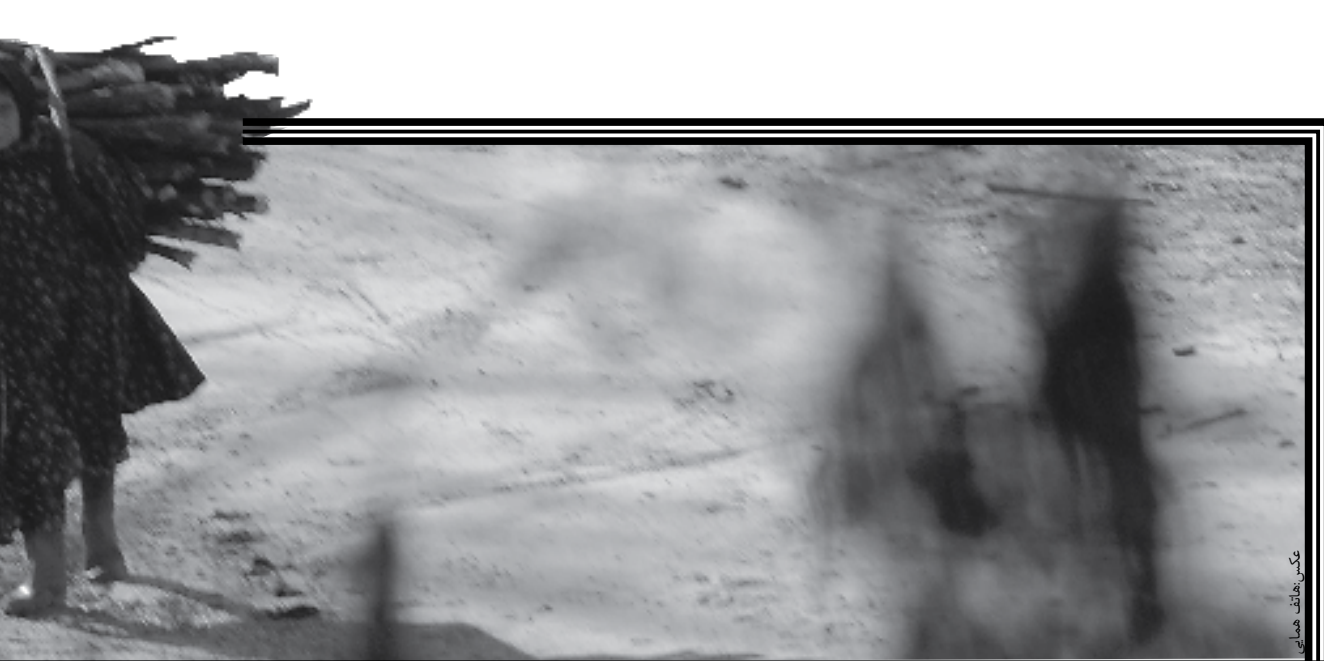
ژوئیه ۱۳۹۸ شماره ۱۲ / فصلنامه علمی / شماره ۱۲ / تابستان ۱۳۹۸

مطالعات انجام شده در سایر کشورها نشان می‌دهد که چنانچه تنگناها و مشکلات فعالیت زنان به خوبی مورد بررسی قرار گیرد و راه‌حل‌های مناسب در این زمینه به‌مورد اجرا گذاشته شوند، این گروه به‌عنوان نیمی از جمعیت فعال در مناطق روستایی، نقش غیرقابل انکاری در افزایش درآمد و بهبود استانداردهای زندگی خواهند داشت

رابطه‌ی بین مالکیت زمین و پشتوانه‌های اقتصادی و دریافت وام
 هدف از این سؤال آن بود که مشخص شود: آیا بین دریافت وام از این مؤسسه با مالکیت زمین و سایر پشتوانه‌های اقتصادی رابطه‌ای وجود دارد یا خیر؟ یافته‌های آماری در این رابطه نشان می‌دهند که ضرایب t به‌دست آمده در این ارتباط، $۲/۲۶۸$ و $۲/۰۳۷$ است که در سطح معنی‌داری $۰/۰۲۷$ و $۰/۰۲۵$ محاسبه شده است. در نتیجه می‌توان نتیجه گرفت که بین دو گروه تفاوت معنی‌داری وجود دارد.

رابطه‌ی میزان سواد و توانایی اخذ وام
 در این مورد افراد به دو گروه دارای سواد دوره‌ی ابتدایی و یا بی‌سواد و افراد با تحصیلات بالاتر از دوره‌ی ابتدایی تقسیم شدند. آماره‌های محاسبه شده در این زمینه نشان می‌دهند که انحراف معیار و انحراف از میانگین برای گروه اول به ترتیب $۱۲/۶$ و $۱/۷۳$ و برای گروه دوم $۱۲/۱۵$ و $۱/۶۴$ بوده است. ضرایب t نیز برای این دو گروه به ترتیب $۲/۰۱۷$ و $۲/۰۱۶$ بوده است که در سطح معنی‌داری $۰/۰۴۶$ محاسبه شده است. در نتیجه می‌توان گفت: بین افرادی که سطح سواد آن‌ها بالاتر بوده است و آن‌هایی که بی‌سواد بوده و یا صرفاً دارای سواد ابتدایی بوده‌اند، تفاوت معنی‌داری از نظر دریافت وام وجود داشته است.

رابطه‌ی بین داشتن طرف حساب در شهر و توانایی در اخذ وام
 بری روشن‌تر شدن عنوان فوق، باید بیان داشت که برخی از روستاییان اجناس تولیدی خود را به یک فروشگاه یا مؤسسه خاص در شهر تحویل می‌دهند و مایحتاج خود را از آن‌ها دریافت می‌دارند، سایرین این کار را در واحدها و مؤسسات گوناگون انجام می‌دهند. در این سؤال قصد آن بود که مشخص شود: آیا توانایی کسانی که فرد یا افرادی را در شهر به‌عنوان طرف حساب یا آشنا و طرف معامله دارند برای دریافت وام، با کسانی که چنین رابطه‌ای ندارند، تفاوت معنی‌داری وجود دارد یا خیر؟



عکس: هانف هسانی

نقش رابطین اداری و توانایی اخذ وام

در این مرحله نقش وجود اقوام و یا اعضای خانواده در مؤسسات و یا ادارات دولتی و نفوذ آن‌ها در دریافت وام مورد بررسی قرار گرفت. در این مورد خاص نیز افراد در دو گروه اصلی بهره‌مند از این نیروها و یا عدم دسترسی به آن‌ها، طبقه‌بندی شدند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهند که ضرایب به‌دست آمده برای t در سطح معنی‌داری $0/000$ برای گروه اول و دوم به ترتیب $4/79$ و $5/068$ بوده است. بر این اساس می‌توان نتیجه گرفت که بین این دو گروه از نظر دریافت وام تفاوت معنی‌داری وجود دارد.

سایر عوامل و فرضیات جنبی

در این بخش نقش عواملی غیر از مواردی که در فرضیه‌های اصلی مورد توجه قرار گرفته بود، به اختصار مورد بررسی قرار می‌گیرد. برای جلوگیری از اطاله‌ی کلام، رابطه‌ی عوامل و پارامترهای گوناگون با توانایی اخذ وام، در جدول ۳ خلاصه شده است.

بر اساس اطلاعات جدول ۳، در ردیف یک و دو، یعنی رابطه‌ی بین تحصیلات همسر و ازدواج‌های فامیلی و موفقیت در اخذ وام، معنی‌دار است. این وضعیت برای ردیف سوم و چهارم مستقیم و معنی‌داری است. به عبارت دیگر، رابطه بین شغل همسر و ساختارهای خانوادگی (خانواده‌های تک‌هسته‌ای زن و شوهر و یا گسترده شامل فرزندان، عروس، نوه‌ها و...) و اخذ وام، معنادار است. برای ردیف‌های پنجم و ششم رابطه‌ی بین مهارت‌های جنبی و سبک زندگی و توانایی اخذ وام، معنی‌دار است. در ردیف‌های هفتم و هشتم نیز رابطه معنی‌دار است و بین این دو پارامتر و توانایی اخذ وام، رابطه وجود دارد. همین وضعیت برای ردیف‌های نهم و دهم نیز به اثبات رسیده است.

آمارهای محاسبه شده در این رابطه نشان می‌دهند که در گروه دارای طرف حساب، میانگین، انحراف معیار و انحراف از میانگین به ترتیب عبارت‌اند از: $91/13$ ، $12/6$ و $1/73$. برای گروه دیگر نیز این مقادیر $71/85$ ، $10/72$ و $2/34$ است. در سطح معنی‌داری $0/000$ ، محاسبه شده برای گروه اول و دوم به ترتیب $6/173$ و $6/625$ بوده است. بر این اساس می‌توان نتیجه گرفت که بین گروه اول و دوم تفاوت معنی‌داری وجود دارد.

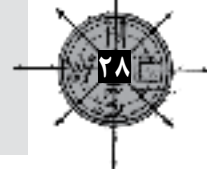
شرکت در دوره‌های آموزشی و توانایی در اخذ وام

منظور از این دوره‌ها، تمامی فرصت‌هایی است که از طرف نهادهای گوناگون فعال در عرصه‌ی روستایی و یا سایر نهادهای دولتی و غیره در سطح روستا و یا در شهر فراهم می‌شود. در این مورد خاص، شرکت در دانشگاه‌ها و یا مؤسسات آموزش عالی نیز گنجانده شده است.

به این منظور، نمونه‌ی مورد بررسی به دو گروه تقسیم شد: گروه اول کسانی را در بر می‌گرفت که این دوره‌ها را گذرانده بودند. گروه دوم آن‌هایی بودند که این قابلیت را نداشتند. بررسی‌های انجام شده نشان می‌دهند که میانگین برای گروه اول، 78 و برای گروه دوم $71/86$ بوده است. این مقادیر برای انحراف معیار به ترتیب برای گروه اول و دوم $8/86$ و $10/72$ بوده است. انحراف معیار از میانگین نیز برای دو گروه $3/96$ و $2/34$ محاسبه شد. ضرایب t محاسبه شده در این مرحله برای گروه اول $1/184$ و برای گروه دوم $1/335$ بوده که در سطح معنی‌داری $0/248$ و $0/233$ محاسبه شده است. بر این اساس می‌توان عنوان داشت: در این سطح معنی‌داری، تفاوتی بین دو گروه دیده نمی‌شود.

جدول ۳. رابطه‌ی بین عوامل فرعی و توانایی اخذ وام

ردیف	شرح	ضریب t دو محاسبه شده	سطح معنی‌داری
۱	تحصیلات همسر	۲۵/۶۵۵	۰/۰۰۰
۲	ازدواج‌های فامیلی	۱۱/۲۷۰	۰/۰۲۴
۳	شغل همسر	۴۳/۳۸۶	۰/۰۰۰
۴	ساختارهای خانوادگی	۵۸/۱۴۰	۰/۰۰۰
۵	مهارت‌های جنبی	۲۰/۵۴۸	۰/۰۰۰
۶	سبک زندگی	۱۷/۵۱۵	۰/۰۰۰
۷	تجهیزات ارتباطی	۹/۱۴۹	۰/۰۱۰
۸	حضور در فعالیت‌های اجتماعی	۱۰/۵۰۸	۰/۰۰۵
۹	سابقه‌ی مهاجرت به شهر	۱۰/۳۶۵	۰/۰۰۶
۱۰	شغل فرزندان	۳۹/۲۷۶	۰/۰۰۰





نتیجه‌گیری و پیشنهادها

افراد مورد بررسی در این تحقیق کسانی بوده‌اند که اغلب آن‌ها توانسته‌اند اعتبارات مورد نیاز خود را از سایر مؤسسات دریافت دارند. حال آن‌که بخش قابل ملاحظه‌ای از آن‌ها، با مراجعه به صندوق قرض‌الحسنه مهر امام رضاع، به نوعی مشکل خود را حل کرده‌اند. به همین دلیل باید عنوان داشت که نقش مؤسسات تأمین اعتباری که اهداف انتفاعی را دنبال نمی‌کنند، بسیار مؤثر و قابل توجه است. در واقع این مؤسسات و به‌طور خاص، صندوق قرض‌الحسنه مهر امام رضاع، از مراجعه‌ی نیازمندان به نزول خواران و مؤسسات اعتباری که بهره‌های کلانی برای اعتبارات اعطایی در خواست می‌کنند، جلوگیری به عمل آورده‌اند. اما به دلیل تعداد زیاد مراجعه کنندگان و کمبود منابع لازم، بسیاری از آن‌ها از دسترسی به این گونه اعتبارات محروم مانده‌اند. اما در صورتی که میزان نیاز این جامعه به درستی برآورده شود و منابع لازم در اختیار صندوق قرار گیرد، این مشکل نیز حل خواهد شد.

به هر حال، وقتی منابع موجود با متقاضیان هماهنگ نبوده است، مسئولین صندوق سعی کرده‌اند با اولویت‌بندی و دخالت دادن عوامل و گزینه‌های متفاوت، پروژه‌ها و یا درخواست‌هایی را تأمین اعتبار کنند که میزان سود اجتماعی و فردی آن‌ها بیش از سایرین باشد. شاید به همین دلیل است که همیشه ارتباط مثبت و معنی‌داری بین توانایی‌ها و قابلیت‌های فرد متقاضی وام و تأمین اعتبار آن از طرف مؤسسه، ملاحظه می‌شود. به‌طوری که در بادی امر، این مهم را می‌توان به عنوان یکی از مشخصات مثبت و علمی این صندوق به حساب آورد. در عین حال نمی‌توان منکر اعمال سلیقه برخی از مسئولین رده‌پایین این مؤسسه بود.

با وجود این و بر اساس یافته‌های به‌دست آمده از این پژوهش، می‌توان گفت که با وجود اثربخشی فعالیت‌های صندوق قرض‌الحسنه مهر امام رضاع، این مؤسسه نتوانسته است خود را به‌طور کامل از روابط اداری پیچیده و بیمار جامعه‌ی کنونی رها سازد. به همین دلیل، بیشتر، افرادی به وام‌های آن دسترسی پیدا می‌کنند که از توانمندی‌های معمول در جامعه‌ی کنونی برخوردار هستند. بر این اساس، افراد فقیر و نیازمند هنوز نتوانسته‌اند به‌طور کامل از این امکانات بهره بگیرند. در واقع این صندوق در تحقق اهداف عدالت‌جویانه‌ی دولت، توانمندی کاملی از خود به نمایش نگذاشته است. شاید یکی از دلایل این امر آن باشد که بسیاری از مسئولین در رده‌های اداری پایین، هنوز به این باور نرسیده‌اند که هدف اصلی این صندوق کمک به اقشار ضعیف و آسیب‌پذیر است. به همین دلیل، بیشتر در جهتی حرکت می‌کنند که اطمینان کامل داشته باشند، وام پرداخت شده در موعد مقرر بازپرداخت خواهد شد.

برقراری ارتباط مستقیم با جامعه و شناسایی مشکلات و تنگناهای آن می‌تواند تا حد زیادی این معضل را مرتفع سازد. در واقع، بیشتر نیازمندان جامعه‌ی کنونی ایرانی کسانی هستند که از ابزارهای دسترسی به توانمندی‌های ارائه شده توسط دولت و یا مؤسسات خیریه و یا غیرانتفاعی محروم هستند. این افراد حتی اطلاع کاملی از این امکانات و فرصت‌های ارائه شده ندارند. به همین دلیل، شاید بتوان گفت ضعف‌های موجود در این رابطه تنها به صندوق مهر امام رضاع بر نمی‌گردد، بلکه بخش قابل ملاحظه‌ای از آن، متوجه جامعه‌ی بهره‌بردار است.

رفع این مشکل نیز در گروه اطلاع‌رسانی دقیق و کامل به افرادی است که می‌توانند و باید از این امکانات استفاده کنند. حتی در مواردی که حوزه‌ی کاری روستا و جمعیت زن روستایی است، این اقدام باید به‌صورت ارتباط نزدیک و حتی چهره به چهره انجام شود. در این ارتباط، اجرای طرح‌های تحقیقاتی، به‌خصوص آن‌هایی که در حوزه‌ی نیازسنجی به انجام خواهند رسید، ضروری به نظر می‌رسد.

نکته‌ی قابل توجه دیگر آن است که به دلیل فرهنگ بسته و سنتی موجود در مناطق مورد بررسی، بسیاری از زنان اجازه‌ی فعالیت در عرصه‌ی اجتماعی را ندارند. به همین دلیل افراد، ارتباط مستقیم با مؤسسات دولتی و خصوصی را نوعی عبور از خطوط قرمز خانوادگی تلقی می‌کنند. لذا کمتر به‌طور مستقیم به مؤسسات تأمین اعتبار و بانک‌ها به‌طور کلی و مؤسسه‌ی مهر امام رضاع به‌طور خاص، مراجعه می‌کنند. به همین دلیل، دریافت وام آن‌ها با مشکلات بیشتری مواجه می‌شود. در نتیجه می‌توان گفت که ارتباط‌های مستقیم و معنادار به دست آمده در فوق، به جای آن که نشانگر ضعف صندوق مورد نظر باشد، به مشکلات و تنگناهای داخلی جامعه‌ی مورد بررسی برمی‌گردد.

منابع

۱. از کیا، مصطفی (۱۳۷۰). مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی روستایی. انتشارات اطلاعات، تهران.
۲. دلاور، علی (۱۳۶۸). روش‌های آماری در روان‌شناسی و علوم تربیتی. دانشگاه پیام نور.
۳. ریکا، مهرا و دیگران (۱۳۸۲). اعتبارات مالی برای زنان. ترجمه‌ی فضیله‌خانی. انتشارات دانشگاه الزهراء، تهران.
۴. صابری‌فر، رستم و محمدرضا کلماتی (۱۳۸۶). «نقش زنان، اقتصاد روستایی و تعاون». مجله‌ی تعاون. شماره‌های ۳۲-۲۷ و ۱۸۸-۱۸۷.
۵. صابری‌فر، رستم (۱۳۸۱). زنان، اعتبارات، مشکلات و راهکارها، همایش اعتبارات خرد. دانشگاه الزهراء(س) و... تهران.
۶. _____ (۱۳۸۲). مقایسه‌ی سیستم‌های کشاورزی و نقش زنان. دانشگاه پیام نور. واحد تربت جام.
۷. _____ (۱۳۸۳). «کمک‌های خارجی در روند توسعه». زیتون. شماره‌های ۵۶-۶۳ و ۱۶۰.
۸. مطهری، مرتضی (۱۳۵۷). نظام حقوق زن در اسلام. انتشارات صدرا، قم.
۹. نادری، عزت‌الله و سیف‌نراقی، مریم (۱۳۷۰). روش‌های تحقیق در علوم انسانی با تأکید بر علوم تربیتی. انتشارات بدر.

10. Douglas, P (2003), Financial Services for the Ruyal Poor, Donor Brief, No.15.

11. ESCAO (1994), Jakarta Plan of Action on Human Resources Development in the ESCAP Region, Revised Edition, New York, UN.

12. MOseley, M.J. ., (2003) Rural Development :Principles and Practice, Sage Publications, London.

13. Norton, George & Dwainr, Etfrey (1993), An Introduction to Economics of Agricultural Development, Halt, New York.

14. Roht, J. (1997), The Limits of Micro Credit as a Rural Development Intervention, Institute for Development Policy and Management, Manchesyer University.

15. UNDP (1998), Microfinance Instritutions Proposal: Executive Summary, Port Moresby.

